

## حقوق بین الملل خصوصی باب دوم - در مقررات قانون تابعیت ایران

که در صورت قبول این ترتیب ممکن است موجب این اشکال گردد. تشخیص تابعیت طفلی است که پس از قدرت پدرش متولد شده اگر چه بعضی از علماء فن مثل اندر ویس André Weiss اظهار می‌دارد که چون در چنین صورت تابعیت پدر طفل با فوت او از بین نرفته و دیگر ممکن نیست پدرش او داده شود باید طفل دارای تابعیت مادرش شود ولی تصور میشود ایجاد این ترتیب اثر نداده و برای آن در تشخیص تابعیت طفل مداخلیتی قائل نشده است؛ بنابراین باید گفته شود که در چنین صورتی نیز طفل دارای تابعیتی خواهد بود که پدرش در حین وفات او دارا بوده است. حال باید دید که در مورد تابعیت اثبات نسبت طفل مطابق کدام قانون باید بعمل آید.

برای تحقیق در این موضوع فرض کنیم که در ایران تابعیت طفل بواسطه شبهه در نسب او محل اختلاف باشد مثلاً طفل با دعای ملحق بودن نسب خود بیک نفر ایرانی ادعای تابعیت ایران را میکند و طرف او مدعی است که نسب او بمرد دیگری که تبعه ایران نیست ملحق میشود. اگر چه اصولاً قوانین راجع باثبات نسب از جمله قوانینی است که شخص صرف بوده و باید نسب هر کس مطابق قوانین دولت متبوع او ثابت گردد ولی این اصل را نمی‌توان در موردی که امر مربوط با تابعیت است اجرا نمود مخصوصاً وقتی که خود تابعیت محل تردید باشد. مسئله تابعیت از جمله مسائل مربوط بحقوق عمومی دولت ایران نیست و در خاک ایران مثلاً این مسئله باید مطابق قوانین دولت ایران حل شود.

طریقه چهارم - طفل باید تابعیتی را دارا باشد که پدرش در حین ولادت او دارا بوده. طرفداران این طریقه بطفل تبعیتی را میدهند که پدر او در حین ولادت طفل داشته است. بنا بر این اگر پدر طفل در حین انعقاد نطفه او تبعه ایران بوده ولی در حین ولادت طفل تبعه خارجی شده باشد طفل تبعه ایران محسوب خواهد شد و این اشخاص برای اثبات عقیده خود چنین استدلال میکنند که هیچکس نمیتواند تاریخ انعقاد نطفه را معین کند و حال آنکه ولادت طفل امری است محسوس و تاریخ آن تعیین و در صورت تردید هم میتوان آنرا خواه بوسیله سجل ولادت خواه بوسیله شهود ثابت نمود علاوه اگر قانون برای دادن حق وراثت فرض میکند که طفل زنده متولد شده بمنزله طفلی است که در حین انعقاد نطفه موجود بوده و دائره حکومت این فرض را نمیتوان توسعه داد بمواردی که منظور مقنن نبوده است شامل نمود بنابراین طفل دارای تابعیتی خواهد بود که پدر او در حین ولادت آن طفل داشته است. اغلب از متخصصین حقوق بین الملل خصوصی این طریقه اخیر را قبول کرده و برای طفل نوزاد تابعیتی را قائل میشود که پدر او در حین ولادت طفل داشته است همین نظر را عبارت بند دوم ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران گرفته زیرا در بند مزبور مندرج است کسانی که پدر آنها ایرانی است یعنی شخص موجودی که پدرش تبعیت فعلی ایران را دارد تبعه ایران محسوب میشود و فقط اطفالی مشمول این جمله میشوند که پدر آنها در حین موجود شدن آنها تبعه ایران بوده باشد و این جمله بهیچوجه نمیتواند شامل اطفالی گردد که در حین ولادتشان پدر آنها ایرانی نیست فقط موضوعی

**مبحث دوم**

**در تابعیت ایرانی بمناسبت محل تولد یا بموجب اصل حقوق خاک**

قانون ایران از حیث دارا شدن تابعیت ایرانی به محل تولد نیز اهمیتی قائل شده و برای تشخیص تابعیت مزبور اصل حقوق خاک را در حدود بالنسبه معین قبول نموده است.

چه مطابق بند سوم و چهارم و پنجم ماده ۹۷۶ قانون مدنی اشخاصی که در اثر ولادت در ایران متولد شده و در آنجا متولد شده اند از قرار ذیلند :

۱) کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد (بند ۳) .

۲) کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده است بوجود آمده باشند (بند ۴) .

۳) کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و پس از رسیدن بسن هیجده تمام لا اقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند (بند ۵) .

اطفال متولد در ایران از پدر و مادر غیر معلوم مطابق بند ۳ از ماده ۹۷۶ کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد تبعه ایران محسوب می شوند پس برای اینکه يك طفل بتواند بر طبق این بند تبعه ایران محسوب گردد دو شرط لازم است .

اول - نامعلوم بودن پدر و مادر او .  
ثانیاً - تولد در ایران .

۱ - نامعلوم بودن ابوی طفل - ابوی طفل ممکن است حقیقتاً نامعلوم باشند یا فقط قانوناً پدر و مادر يك نفر وقتی حقیقتاً نامعلوم است که هیچکس آنها را شناسد مثل ابوی طفل نوزادی که در سر راه پیدا شده باشد و هیچکس نداند که آن طفل متعلق بکدام مرد یازن است .  
ابوی يك طفل وقتی قانوناً نامعلومند که متعلق آن طفل بفلان مرد یا فلان زن معلوم باشد ولی بواسطه

تولد او از روابط نامشروع نه مرد میتواند قانوناً پدر و نزن مادر طفل محسوب گردد.

بنابراین امر روابطی که طفل نمره آن می باشد نسبت به یکی از این ابویین مشروع و نسبت به دیگری نامشروع گردد یکی از ابویین طفل قانوناً معلوم و دیگری نامعلوم خواهد بود مثل طفل متولد از روابطی که بکنفر عنفاً با زنی داشته است که منکوحه او نباشد و در این صورت طفل نسبت بمرد نامشروع و نسبت بزنی مشروع خواهد بود بهرجهت الاخر پدر طفل قانوناً غیر معلوم و مادر او معلوم می باشد و چون مطابق بند ۳ ماده تبعه ایران بودن طفل در ایران از ابویین غیر معلوم متوقف بر این است که هم پدر و هم مادر او غیر معلوم باشد لذا طفل مفروض که مادرش معلوم است نمیتواند بموجب بند مزبور تبعه ایران محسوب شود .

ولی این نکته مانع از این نیست که این طفل را بتوان مطابق بند اول ماده مزبور ایرانی محسوب داشت ولی در زمره کسانی قرار داد که ساکن ایران باشند و تبعیت خارجی آنها مسلم نباشد زیرا که مطابق بند اول مزبور کلیه سکنه ایران تبعه ایران محسوب میشوند مگر اینکه تبعیت خارجی آنها مسلم باشد.

۲ - تولد طفل در ایران - غالباً اطفالی که ابویین آنها حقیقتاً غیر معلوم است محل تولدشان نیز غیر معلوم میباشد و شاید ظاهراً فرض موروی که ابویین طفل حقیقتاً نامعلوم ولی محل تولد او معین باشد و طفل هم دارای تابعیتی نباشد مجال بنظر آید ولی از آنجائی که اصولاً سکنه هر کشور باید متولد در آن کشور محسوب گردند مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد لذا طفل نوزادی که در معبر یا هر نقطه دیگر ایران یافت میشود باید مادام که محل تولد او معین شده است متولد در ایران فرض شود.

**ب - اشخاص متولد در ایران**

از ابویین خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده باشد

مطابق بند ۴ از ماده کسانی که در ایران از پدر و

مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده باشد بوجود آمده از تبعه ایران محسوب میشوند ولی بموجب تبصره ذیل ماده مزبور این حکم شامل اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی نخواهد بود پس بموجب این بند برای اینکه مشمولین آن تبعه ایران محسوب گردند وجود سه شرط لازم است .

اول - تولد خود آنها در ایران .

دوم - تولد یکی از اבות آنها در ایران .

سوم - خارجی بودن پدر و مادر آنها .

در موضوع این اشخاص نکته مهمی که باید ذکر شود اینست که تبعیت ایرانی آنها موقتی است زیرا ماده ۹۷۷ به آنها حق میدهد که پس از رسیدن بسن ۱۸ سالگی تمام تابعیت پدر خود را قبول کنند ولی برای اینکه تکلیف قطعی تابعیت آنها معلوم شود ماده مزبور برای این قبیل اشخاص مهلتی معین نموده است که اگر در ظرف مهلت مزبور تابعیت پدر را قبول نکردند تبعیت ایران قطعی خواهد بود .

ماده ۹۷۷ چنین مینویسد :

اشخاص مذکوره در فقره ۴-۵ حق دارند پس از رسیدن بسن ۱۸ سال تمام و تا یکسال تابعیت پدر خود را قبول کنند مشروط بر اینکه در ظرف مدت فوق اظهاریه کتبی تقدیم وزارت امور خارجه نمایند و تصدیق دولت پدر خود را دایر بر اینکه آنها را تبعه خویش خواهد شناخت ضمیمه اظهاریه کنند پس مطابق این ماده برای اینکه اشخاص متولد در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده است بتوانند تابعیت ایران را رد کرده و تابعیت پدر خود را قبول نمایند . رعایت شروط ذیل لازم است .

اول - قبول تابعیت پدر باید در ظرف یک سال پس

از تاریخ رسیدن به ۱۸ سال تمام بعمل آید یعنی بسن ۱۸ و ۱۹ سالگی .

دوم - جوانی که میخواهد تابعیت ایران را رد کرده و تابعیت پدر خود را قبول نماید باید ثابت نماید که دولت

متبوع پدر او را تبعه خود خواهد شناخت چه اگر دولت مزبور او را تابعیت خود نشناسد و آن جوان تابعیت ایران را هم رد کند شخص بلاوطن خواهد بود و بطوریکه سابقاً گفته شد قانون گذار باید حتی المقدور از پیدا شدن اشخاص بلاوطن احتراز کند .

اثبات اینکه دولت متبوع پدر طفل او را تبعه خود خواهد شناخت بوسیله تصدیق صادر از ناحیه مقامات صلاحیت دار آن دولت که باید ضمیمه تقاضا نامه شود بعمل میاید مثل تصدیق صادر از ناحیه مأمورین سیاسی دولت متبوع پدر طفل مقیم در ایران .

نوع سوم - شخصی که بخواهد تبعیت ایران را رد کند باید اظهاریه کتبی در ظرف مدت قانونی وزارت امور خارجه تسلیم نماید .

### ج - اشخاص متولد در ایران از پدری که تبعه خارجه است

بموجب بند ۵ ماده ۹۷۶ کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن بسن ۱۸ سال تمام لااقل یکسال در ایران اقامت داشته باشند تبعه ایران محسوب میشوند . چون تبصره ذیل ماده شامل این اشخاص نیز میشود بنابر این اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و مأمورین قنصلی مشمول این حکم نخواهند بود در هر حال برای اینکه یک نفر بتواند مطابق مقررات قانون تابعیت و با استناد بند ۵ از ماده ۹۷۶ تبعه ایران محسوب شود وجود شرایط ذیل لازم است .

۱ - تولد در ایران .

۲ - تبعه خارجه بودن پدر .

۳ - اقامت در ایران در مدت لااقل یکسال بلافاصله

بعد از رسیدن به ۱۸ سال تمام .

تبعیت ایرانی این اشخاص مثل تبعیت ایرانی اشخاص متولد در ایران از پدر و مادر خارجی است که یکی از آنها در ایران متولد شده است و این تبعیت موقتی خواهد بود زیرا مفاد ماده ۹۷۷ شامل این اشخاص نیز بوده و می توانند در همان مدت و بهمان ترتیبی که فوقاً برای مشمولین

رابطه تبعیت ایران مشروط با اجازه نامه میکنند . معامله متقابله خواهد شد .

توضیح آنکه در بعضی از کشور ها از قبیل ترکیه اطفالی که در آنجا از ابویین یا پدر خارجی متولد شده اند تبعه داخلی محسوب میگردند و رجوع آنها بتابعیت پدر خود متوقف با اجازه دولتی است که آن اطفال در خاک آن دولت متولد شده اند بنابراین در ایران نیز اطفالی متولد از اتباع این دول تبعه ایران محسوب شده و رجوع آنها بتابعیت اصلی خود مشمول مقررات قانون تبعیت نخواهد بود یعنی اطفال مزبور نخواهند توانست که بمیل خود در بین ۱۸ و ۱۹ سالگی تبعیت ایران را رد و تابعیت پدر خود را قبول کنند بلکه برای نیل باین مقصود اجازه دولت ایران لازم خواهد بود .

بند چهارم ماده ۹۷۶ مذکور شد تابعیت ایران را رد و تابعیت پدر خود را قبول کنند و به علاوه اگر متولد در ایران از پدر خارجی در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن به ۱۸ سال تمام از ایران خارج بشود این خروج بمنزله رد تابعیت ایران محسوب و مطابق قسمت ذیل بند چهارم همین ماده قبول شدن او بتابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که برای کسب تابعیت ایران مقرر است .

در خاتمه مطالب راجعه باین مبحث و مبحث سابق این نکته نیز باید قید شود که ماده ۹۷۸ قانون مدنی اصل معامله متقابله را نسبت به بعضی از دول معمول و مقرر داشته: نسبت باطفالی که در ایران از اتباع دولتی متولد شده اند که در کشور متبوعه آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را بموجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها

